

ادامه از صفحه ۱۵

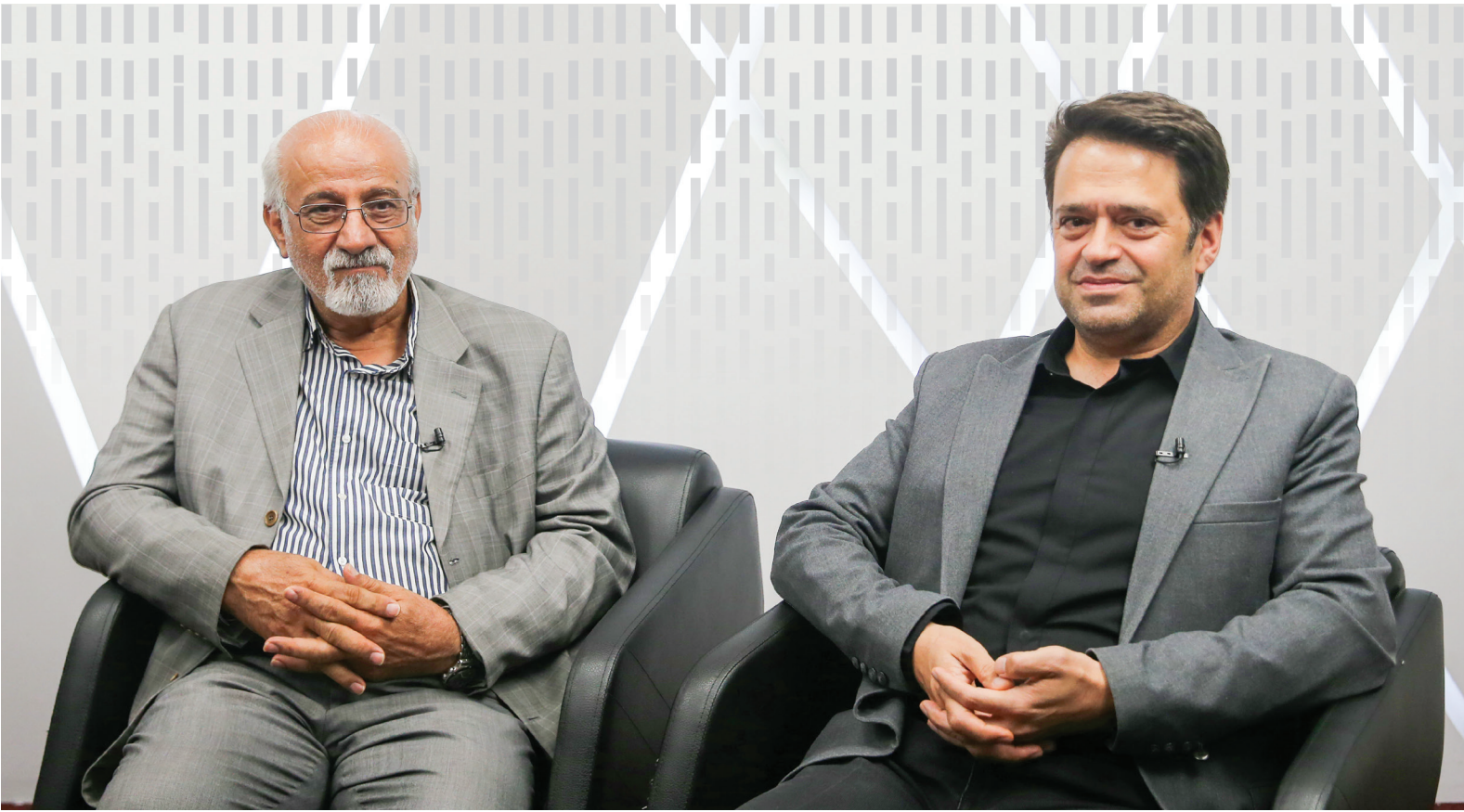
اینها نظام تامین مالی اش با هم متفاوت است. الان در موضوع بیمه ما فقط یک سیستم تک‌لایه‌ای داریم، یعنی ملت تمام تخم‌مرغ‌هایشان را در یک سبد گذاشته است. هرچند باید حاکمیت متکفل و تضمین‌کننده باشد، اما تضمین‌کننده همین‌ها (بیمه‌ها) هستند. اگر اینها دچار چالش شوند افراد هم دچار چالش خواهند شد.

آن نظام چند لایه، آن نگاه بیسمازی که در دنیا وجود دارد و آن نگاهی که در حوزه حمایت‌های اجتماعی دیدگاه‌های مختلف، بانک جهانی، رویکرد ای‌ا ال، و بحث‌هایی که آقای دکتر در ابتدای بحث فرمودند، اینها را درکنار هم می‌گذارد و در سطوح مختلف پوشش خواهد داد.

من فکر می‌کنم اگر آن نظام مالیاتی و نظام یارانه‌ای شفاف نشود، پولینگ منابع درست نگردد، آن رویکردی که در حوزه یارانه‌ای که می‌خواهید

۲ فعال صنعت غذا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کردند

ضربه کاری تصمیمات آنی به صادرات کشاورزی



فاطمه سادات مرتضوی خبرنگار

بخش کشاورزی و در راس آن بخش غذا یکی از حوزه‌های حساس برای در نظام برنامه‌ریزی کشور است. این بخش از یک طرف با معیشت مردم گره خورده و از سوی دیگر تامین‌کننده امنیت غذایی است. به این باید سهم بالا در اشتغالزایی و ارزآوری را نیز اضافه کنیم. با این حال، فعالان صنعت غذا می‌گویند حال این صنعت چندان هم خوب نیست. در همین خصوص «فرهیختگان» ناظر به آسیب‌شناسی مشکلات صنعت غذا و کشاورزی و ارائه پیشنهادهایی برای دولت چهاردهم، گفت‌وگویی با رضامبصری، دبیر انجمن تولیدکنندگان زنجیره‌ای گوشت مرغ کشور و محمد فرید، عضو هیات‌مدیره انجمن صنایع لبنی انجام داده است. آنچه در ادامه می‌آید، مشروح این گفت‌وگو است.

جایگاه صنایع غذایی در اشتغال و تولید ناخالص داخلی چیست؟

مبصری: محصولات غذایی از آنجاکه دارای تقاضای گوناگون هستند و به نحوی با صنایع تبدیلی کشاورزی و دیگر صنایع به‌عنوان پیشران نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. صنایع غذایی عمدتاً به شکل تقاضامحور کار می‌کنند و حاشیه سود نسبتاً کمتری دارند، در واقع درگیر سیاست‌هایی هستند که در کشور به آنها اعمال می‌شوند. در منابعی مختلف اعداد مختلفی را برای میزان تولید اشتغال و نقش آنها در GDP ذکر می‌کنند. برای مثال در بین صنایع عدد ۴۰ تا ۶۰ درصد از اشتغال هم اشاره شده بود. نقش آنها در GDP شامل اعداد بیشتری هم شده بود اما برای بررسی دقیق آن باید به اعدادی که در مرکزی آمار ایران وجود دارد، رجوع کنیم. معمولاً این اعداد به نسبتی که در فضای کسب‌وکار اتفاق می‌افتد، متغیرند. اما درخصوص بخشی که من آن را نمایندگی می‌کنم که دام و طیور است باید گفت طبق آخرین آمار در سال ۱۴۰۲ نقش بخش کشاورزی در GDP به ۶ درصد رسیده است. آنچه را در بخش اشتغال می‌دیدم حدود ۱۳ درصد است. در رابطه با بخش کشاورزی باید گفت طی سال‌های اخیر متأسفانه رشد این بخش منفی و برای هشتمین فصل پیاپی در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نقش این بخش در اقتصاد و اشتغال نیز کاهش شده است. این موضوع را می‌توان به صنایع غذایی که متأثر از بخش کشاورزی است نیز تعمیم داد.

آیا آمار دقیقی از میزان تولید اشتغال و تاثیر نرخ GDP در صنایع غذایی موجود است؟

فرید: می‌توان به صورت مستقیم و دقیق از آمارها سخن گفت اما اگر با فرض اینکه تقریباً ۱۰۰ هزار نفر میزان اشتغال مستقیم داشته باشیم در هر صورت به دلیل وجود منابع محدود نمی‌توان نظر قطعی داد. ضمن اینکه هزاران نفر خارج از این صنعت به اشتغال مشغولند؛ برای مثال شبکه‌های توزیع که بخش مهمی از فرآیند تحویل کالا را برعهده دارد بخش زیادی از نیروی انسانی را به خود اختصاص می‌دهد. درمجموع آمار دقیقی از این بخش وجود ندارد. همچنین ما به‌عنوان صنفی هستیم که به واحدهای فرعی تقسیم شده و رؤس این اصناف آمار دقیق ارائه نمی‌دهند. همان‌طور که می‌دانیم کانون انجمن‌های صنایع غذایی کشور تقریباً متشکل ۱۵۰ تا صنعت حوزه غذاست. در نهایت به‌طور کلی می‌توان گفت صنعت غذا در جامعه نقش جامعی خصوصاً در بخش سلامت داشته و این صنعت به‌طور نسبی نقش پیشران را در صنعت کشور دارد.

قیمت‌گذاری دستوری از آن دست موضوعاتی است که تولیدکنندگان بسیار از آن آسیب دیدند، نظرتان در رابطه با این موضوع و تاثیراتی که بر صنایع غذایی داشته چیست؟

فرید: باید یادآور شد اولین آسیب آن به کیفیت است. اخیراً در سازمان استاندارد بحث اصلی همین بوده که یک استاندارد حداقلی تعریف کنیم که برای مثال ماست واجد این ویژگی‌هاست. اگر تولیدکننده‌ای ماستی با کیفیت برتر عرضه کرد و از استاندارد حداقلی شما عبور کرد آن وقت ارزش این استاندارد شما چگونه محاسبه می‌شود؟ این بحث در سازمان استاندارد در حال بررسی است. قطعاً بزرگ‌ترین آسیب این قیمت‌های دستوری به صنعت غذاست. امروزه حاشیه سود صنعت لبنی به گواه آمار که حداقل ۱۰ شرکت ذیل سازمان بورس و اوراق بهادار تعریف می‌شوند که تا ۸۰ تا آنها زیرمجموعه بگانه و دوتای دیگر برای شرکت کالبو و لبنیات پاک هستند. این ۱۰ تا متوسط سود عملکردشان در سال ۱۴۰۲، ۴٫۵ درصد است. سود قانونی صنعت لبنی ۱۵ درصد است البته بین ۱۲ تا ۱۷ تصوب قانونی دارد. گفته‌ها حاکی آن است که کمسیون مربوطه می‌تواند ۳ درصد کم کند. با این وجود بازهم حتی ۱۴ درصد به ۴٫۵ درصد رسیده و این به این دلیل است که می‌گویم قیمت‌گذاری دستوری آسیب‌زااست. برای مثال قیمت‌گذاری شیر خام که پایه محاسبات ما در تعیین قیمت است، معلق مانده و کسی به آن رسیدگی نمی‌کند. اکنون در پایان ماه سوم، همه یارانه‌های آن صنعت لبنیات مانند سبزی تغییربی نداشته است درحالی‌که شاخص‌های اصلی اقتصادی ما دچار تغییرات شده است. این موضوع حتی باعث افزایش قیمت چربی در بازار شده است؛ اما صنعت لبنیات قادر به تغییر قیمت محصولاتش نیست. به دلیل اینکه سازمان تعزیرات، به صنعت و صادرات ما آسیب‌هایی وارد کرده است. صنعت لبنی مانند سایر صنایع غذایی دیگر در معرض خطر قیمت‌گذاری دستوری هستند. بسیاری از کارخانه‌های لبنی مجبور به تعطیلی شده‌اند که البته دلیل روشنی هم برای توقف‌شان وجود داشت.

مبصری را تأکید بر سخنان فرید ادامه داد: «همان‌طور که ایشان گفتند، دو نکته اصلی در این بین وجود دارد یکی کیفیت است که حتماً دست‌خوش تغییراتی می‌شود، چون شما متفق قیمتی مشخص کردید طبیعتاً نمی‌توانید از آن عبور کنید. نکته اینجاست که با تغییر در کیفیت باید قیمت را تغییر

قیمتی نگاه کنید یا به درآمد نگاه کنید، اینها را حل نکنیم، کار پیش نمی‌رود. اینها الزامات کار هستند. از آن طرف هم الزامات سیاست‌های کلان اقتصادی‌تان هم هست و لازم است. اما اینکه شرط لازم می‌گوییم، یعنی مقدم است، شما باید اول کاهش تورم را داشته باشید، زمینه‌های رشد اقتصادی و رشد اقتصاد و رشد اشتغال را فراهم کنید و بعد سراغ اینها بروید. از بس این بیماری و این درهم‌تنیدگی مزمن شده یک جایی می‌بینید که هر دوی اینها دوطرفه علیت همدیگر هستند، یعنی هم اثرگذارند و هم اثرپذیرند.

اینها دیگر بحث‌های ممال‌عالتی و علمی می‌شود، من فقط پشتیبانی‌که عرض کردم شما باید داشته باشید اینکه اصلاحات را مقدماتاً با شروط لازم زمینه‌ها را فراهم کنید و یک شبه هم نمی‌شود این کار را انجام داد. اصلاحات

باید تدریجی باشد نه اینکه شب بخواییم و صبح به مردم بگوییم نیاز به گفت‌وگو با آنها دارد دقیقاً چه اتفاقی قرار است بیفتد. یک بار درست قانون بگذاریم. بگذارید این قانون حداقل ۳۰ – ۲۰ سال کار کند نه اینکه هر روز یک قانون بنویسیم. الان دچار قوانین مختلفی در تعارض با همدیگر شدیم و پیش‌بینی‌پذیری را برای فضای کسب‌وکار سخت کرده است. هر روز یک بخشنامه می‌دهیم. از من فرد بنگاهدار گرفته هر روز با یک قاعده‌ای مواجه می‌شویم، چون آن صنعت‌های پشتیبان را درست قوانین و قوانین را شفاف و همه‌فهم ندیدیم. الان قوانین را مخصوصاً در حوزه بازنشستگی و همه بیمه‌شدگان قابل فهم باشد که فرمول بازنشستگی چطور است و قرار است چه بر سرش بیاید؟ چطور با آن برخورد شود و ریسک‌هایش چطور پوشش داده می‌شود.

با قیمت‌گذاری دستوری به‌درستی انجام ندادیم، در حوزه‌های تولید نهایی (FINISHED PRODUCT) برای صادرات واقعاً مشکل داریم.

تجارت آزاد، مطالبه صریح فعالان صنعت

فرید: در صنعت نباید نه صادرات و نه واردات ممنوع باشد. با یک بخشنامه نه بازار داخل تحریم می‌شود و نه بازارهای خارجی در اثر کمبود کالا تحدید می‌شوند. به تجارت آزاد در عمل معقدیم. برای مثال در حوزه صادرات لبنیات در سال گذشته طبق آمار رسمی حدوداً در صنایع لبنی ۷۶۰ میلیون دلار صادرات داشتیم. البته تا حدودی من به این سبک از صادرات اعتقادی ندارم، زیرا ۸۰ درصد این صادرات باکشورهای همسایه است. نکته بعدی این است که صادرات ما در برخی حوزه‌ها، مانند علوفه که با ارز ترجیحی وارد و برای بخش مرغداری استفاده می‌شود با قیمت کمتری عمدتاً باید عرضه شود. عمده صادرکنندگان به دولت گفته‌اند برای صادرات عملزار ترجیحی نمی‌خواهیم. در همین راستا به‌طور واضح می‌توان گفت به دلیل وجود منافع برای اقلیتی خاص، ارزها به این شکل توزیع می‌شود. ارز تنها در طول سال‌های ۸۴ تا ۱۴۷۶ آزاد شد و آن هم دولت ترحمی بود. این موضوع به قیمت‌گذاری دستوری برمی‌گردد، برای مثال این محصول لبنی دارای هزینه توزیع ۱۲ درصد است. درحالی‌که در بسیاری از محصولات لبنی هزینه تولید بالغ بر ۲۰ درصد است. همچنین جایگزینی ناوگان حمل‌ونقل هم غیرممکن شده است. به این معنا که شبکه توزیع فرسوده ناشی از بحث تحریم‌هاست. بحث تحریم نیز داستان مفصلی دارد و در صورت صادرات حتی به کشوری مانند امارات در زمینه دریافت پول مشکلاتی ایجاد می‌شود و تبعات مثبتی ندارد.

سزانه مصرف و سطح تورم موجود باعث افتادگی و کاهش قدرت خرید می‌شود. صنعت لبنیات در سال گذشته نزدیک ۳۰ درصد از بار خود را از دست داده است. صادرات کنونی، صادراتی حاصل از عدم مصرف در داخل است. سزانه مصرف لبنیات بر پایه شیر در داخل اکنون ۷۰ کیلوگرم است، درحالی‌که باید این مقدار در سال ۱۶۰ کیلوگرم باشد و صادرات کنونی تنها به معنای سلب غذا از داخل کشور است.

چقدر در بحث ساختن برند در دنیا موفق عمل کرده‌ایم؟

مبصری: برنده‌ها بیشتر مربوط به بخش خصوصی است اما به‌طورکلی برخی برنده‌ها موفق به ثبت برند در بخش فراسرزمینی شده‌اند و حوزه‌های معدودی هستند. همان‌طور که ما در حوزه سرمایه‌گذاری در برندها در سایر کشورها هم موفقیت چشمگیری نداشته‌ایم اگر برخی از نام‌آوران ما هم هستند که در کشورهای همسایه شناخته شده‌اند ولی در هر صورت آنها هم تحت‌تأثیر رقبات منطقه قرار گرفته‌اند. با ایجاد تغییرات ناگهانی در روند صادرات خواه یا نخواه دچار کمبود کیفیت کالای صادراتی خواهیم شد و باعث ایجاد نگاه منفی به آن برند می‌شود؛ زیرا همیشه در دسترس نیستند.

فرید: در صنایع لبنی برخی از برندهای شاخص قادر به ساخت برند بوده‌اند اما به این دلیل که سیاست‌های حوزه صادرات سیاست‌های تثبیت‌شده‌ای نبوده و شرکت‌های تولیدی نتوانسته‌اند به شکل مستمر در بازارهای هدف حاضر شوند طبیعتاً برندسازی سخت می‌شود.

به‌عنوان فعالان حوزه مواد غذایی فکر می‌کنید بهترین‌ترین روش برای حمایت از طبقات محروم جامعه چیست؟

فرید: به‌طورکلی روش‌های حمایتی از این طبقات به چند دسته خاص محدود می‌شود؛ یکی از این موارد یارانه نقدی است که معضلات زیادی در روند آن وجود دارد. به علاوه انتقال ربال در حساب مردم، آثار تورمی خواهد داشت.

با توجه به میزان ذکرشده برای آمار افرادی که زیرخط فقر قرار دارند تنها تحول

فکر می‌کنم این موضوع در یک بستر گفت‌وگوی اجتماعی و یک امر تخصصی است. نگاه‌های مختلف سیاسی باید به اجماع برسند، آن ویژگی‌ها و اهدافی که در سیاست‌ها مشخص شده، قاعده‌هایش را تصویب و این امر را به افراد حرفه‌ای واگذار کنند که قوانین، مقررات، محاسبات و جزئیاتش را کاملاً براساس آن ویژگی‌ها و اصولی که اینها با هم به تفاهم رسیده‌اند تدوین کنند و بعد در یک مسیر گفت‌وگوی اجتماعی که با ملت صحبت می‌شود، عملاً آن زیرساخت‌های اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی و… همه را درکنار هم بگذارید و برای تصویب ببرید. این تجربه‌ای بوده که دنیا انجام داده و عملاً بزرگان سیاسی کنار هم نشسته‌اند و تدوین کرده‌اند و به تفاهم رسیده‌اند و بعد به یک تیم حرفه‌ای واگذار کرده‌اند که جزئیات را با همه اسناد و ابعاد تهیه و در مسیر قانونگذاری یا مقررات‌گذاری ببرند.

اقتصادی چاره ما در بلندمدت است و در کوتاه‌مدت نیز اکتفا به یارانه کالا به صورت هدفمند (برای افراد و کالاها) می‌تواند اثرگذار باشد.

مبصری: در این بحث باید به قبل و بعد از ماجرا پرداخت. اما به‌طورکلی باید با پیدا کردن یک مقطع ریالی فقط به پرداخت یارانه کالایی مشغول شد. به این معنی که مبنای ارزش ریالی باشد ولی کمک به صورت کالا باشد. به این دلیل که وقتی سوسپند نقدی تعلق بگیرد، صرف دیگر بخش‌ها خواهد شد، درحالی‌که غذا بخش اعظمی از نیاز را فرآورفته است ولی با افزایش یارانه در همین اواخر باقی بخش‌ها شامل افزایش قیمت شده‌اند. درنتیجه و طبیعتاً موثر نخواهد بود. مانند زمانی که ارز ترجیحی افزایش یافت، تقاضا کاهش داشت و باقی بخش‌ها شامل افزایش قیمت شد و در نهایت مردم قدرت خرید نداشتند و باعث نارضایتی شدند. بهتر بود با اعطای یارانه نقدی یا کالایی به مردم از این دست اتفاقات جلوگیری می‌شد و تقاضا هم کاهش نمی‌یافت؛ این هم نتأست‌گرفته از سیاست‌هایی است که قیمت‌گذاری دستوری بر آن حاکم است. البته این فرآیند مستمر ادامه پیدا کرده و صحبت‌های صادرکننده و تولیدکننده شنیده نشده. در این صورت ارز حیف و میل می‌شود ولی کسی به میل جامعه توجهی ندارد و صرفاً ارز از دست می‌رود. این اقدام در نهایت بیشتر موجب کسری می‌شود و اثری ندارد و در انتها آثار تورمی مخربی درپی خواهد داشت. باید به فکر راه‌حل‌های جایگزین بود.

با توجه به شرایط موجود، افق پیش‌روی صنایع غذایی را به چه شکلی می‌بینید؟ فرید: شرایط موجود مناسب نیست، باید دولت چهاردهم وضعیت موجود را تغییر دهد. گاهی می‌گوییم صنعت لبنی درحال کاهش تولید و از بین رفتن است اما اگر واقع‌بین باشیم اصلاح تنها برعهده دولت نمی‌تواند باشد. وزارت صمت و جهاد کشاورزی بخشی از پرونده را برعهده دارند که نقد‌هایی بر آن وارد است. باید به سرمایه‌گذار برای واردات آگاهی داد که چه چیزی نیاز کشور است تا وارد کنند. بخشی از سرمایه‌گذاری در کشور حیف و میل می‌شود. تأکید ما بر شایسته‌سالاری در هر مجموعه است.

مبصری: متأسفانه شرایط فعلی چندان خوب نیست. شایسته‌سالاری و بازبینی سیاست‌ها می‌تواند بر حل معضلات موجود مؤثر باشد. منحصراً در بخش صنایع ما در دوره جدید وزارتخانه مربوط اقدامات بسیار خوبی انجام گرفت که سیاست‌ها بر مبنای افزایش تولید بود. در یک‌سال اخیر با گشایش بازار مواجه بودیم اما باز هم آنچه مورد توجه قرار نگرفت، نگاه به زنجیره ارزش است. در زمان تولید توجه‌ها به مواد خام است اما توجهی به بحث زنجیره ارزش نیست، برای مثال با کمبود گوشت بازار آن را تحت فشار قرار می‌دهند و گاهی فرصت‌های شغلی هم از بین می‌رود.

مهم‌ترین اولویت‌های دولت چهاردهم از نگاه شما برای صنایع غذایی چیست؟ فرید: عدم دخالت دولت در این صنایع. در صنعت لبنی سه عامل محرکه داریم؛ یکی وسیله است، دیگری توزیع‌کننده‌ها و نیروی انسانی و سوم نرم‌افزار. یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های ما همین مساله نیروی انسانی است. گردش نیروها در ایران صدررصد است اما در کشورهای توسعه‌یافته این مقدار تنها سالانه ۱۲ درصد است، درنتیجه تولیدکننده مجبور است از کارگر اتباع خارجه استفاده کند.

مبصری: اگر بخواهیم شفاف صحبت کنیم منظور از عدم مداخله دولت همین سیاست‌های فعلی است از قیمت‌گذاری دستوری، مداخله در روند جاری و آزاد تجاری و بخشنامه خلق‌الساعه است. باید سایه تصمیمات ناگهانی از این صنعت برداشته شود عدم قطعیت از بین برود و فضا پیش‌بینی‌پذیرتر شود. مساله نیروی انسانی نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های این روزهاست. فضای قیمت‌گذاری دستوری حتی اجازه افزایش حقوق کارگر را نمی‌دهد.